

تأثیرات انقلاب بر روستاها و ارزیابی مسئله مهاجرت

قدمه

هد از بیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران جهت پیوند گستره شهر و روستا تلاشهایی را در حد قدوراتش عمل آورده است. اما متأسفانه روند مهاجرت همچنان پس از انقلاب رو به تزايد گذاشته، انگیزه ها و سوال از بعضی مسئولین محترم در قوای سه گانه برآوردن علل این مهاجرتها بود و البته در کنارش بهتر دیدیم که

اثرات مثبت انقلاب در روستاها - مواردی نظیر در اولویت قرار گرفتن کشاورزی، رسیدگی به نیازهای اساسی روستائیان، بازگویی جدی و در حد امکانات به مسائل روستاها و ... را نیز مورد بررسی قرار دهیم ولی در عمل سوال به گونه ای برای عزیزان مصاحبه نویسنده طرح شده که بیشتر به موارد اخیر جواب داده شده است.

حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور:

*** مهمترین مسئله این است که ما، هیجان و انگیزه تولید و نشان آبادی و سازندگی را به روستا برگردانیم و این برای اینست که روستایی خود نشاط یافته و مثل چشمه ای خودجوش، خود، تولید کند.**

من برای انقلاب تاثیر مثبتی سراغ ندارم، به روستاها و نه در شهر. و هیچ کجای دیگر انقلاب نموده اعدایش مثبت است، خانکدنه خبیثای انقلاب به شیرین است و چیزه که تصور می شود بکست است در حقیقت بیروزی است چرا که لیبعت انقلاب اینچنین است

اما در واقع تأثیرات مثبت انقلاب را در روستاها باید بتوان شمرد. روستائیان بعد از انقلاب حساس کردند که در مراکز تصمیم گیری، کسب و کاری فقط باید آنها هستند و برای آنها تلاش کرده و کار می کنند

جها سازندگی تشکیلاتی داد که برای روستاهای ایران بوجود آمد یعنی عموماً برای خدمت، روستاها، که این یک بدیده عظیم است و روستائیان اینرا حس می کنند ما که اینجا نشسته ایم

حضرت آیت الله طالقانی امام
جمعه اصفهان:

امروز روستاها مادر روند انقلاب، نقش بزرگی را دارا می باشند و انقلاب هم باید روستاها را در برنامه ریزی خودش یک اصل و یک محور بداند.

نظر من تأکید بر بیت وسازنده انقلاب در تمامی زمینه ها بخصوص در روستاها برای همه اقشار ملت ما محسوس است. و اگر کسی منکر باشد بی انصافی نموده است چرا که این چیزی است که حتی دشمنان ما اعتراف کرده اند، امروز روستاهای ما در روند انقلاب نقش بزرگی را دارا می باشند و انقلاب هم باید روستاها را در برنامه ریزی خودش یک اصل و یک محور بداند. البته ما شاهدیم که مسئولین درجه اول کشور و در رأس همه امام عزیز و فقیه عالیقدر، در سخنرانی هایشان توجه خاصی به روستاها دارند. خود این مسئله جهاد سازندگی که به فرمان امام تشکیل شد نام بزرگی در جهت بهبود وضع روستاها بود که من خودم در بعضی روستاها که رفتم دیدم چه تغییراتی در روستاها انجام شده است. مدارس، بیمارستانها، پلها، مساجد زیادی ساخته شده است بارها از کمیته فرهنگی آمده اند اینجا و من گفته ام که اصل آن جنبه فرهنگی است. آشنا کردن مردم روستا با مسأله ولایت فقیه، آشنا کردنشان با رهبری امام امت، آشنا کردنشان به اینکه انقلاب اگرچه فرآیندهایی داشته ولی در عرض چه نعماتی را عرضه کرده، روستاهای ما چقدر رشد کرده؟ چقدر خدمات رفاهی و خدمات فرهنگی به آنها عرضه شده، من برای جلوگیری از مهاجرت روستائیان معتمدم باید به مشکلات آنها عملاً توجه شده و این معناً در فرهنگ شهرنشینی، به شهرنشینها تفهم بشود که روستائیان ولی نعمت ما هستند تا مقدراتی از سطح توقع شهری کم کنیم تا امکانات بیشتری بخواند برای روستاها بسیج شود و روستائیان برای ماندن دلگرم شوند. محصولات روستائیان را دولت باید بهر حال بیک قیمتی که آنها دلگرم شوند، برای تولید جدید خریداری کرده و باید

اینجا که روستایی حضور جهاد سازندگی را حس می کند، بقدر حس نمی کنیم و این چیز فوق العاده ای است البته معنای حرف من این نیست که ما مشکلات روستاها را حل نموده ایم. خیر مشکلات روستاها تلاش زیادی برای حل شدن احتیاج دارد. بخصوص تلاش مدیون و برنامه ریزی شده. اولین مسئله اینست که ما هیجان و انگیزه تولید و نشان آبادی و سازندگی را به روستا برگردانیم و این برای اینست که روستایی خود نشاط یافته و مثل چشمه ای که جوش می دهد، روستاها را خودجوش تولید کند. نه مثل اسخری که ما در آن پادست آب می ریزیم که هر چقدر هم زیاد باشد، باز تمام شدنی است اما اینکه ما معتقدیم که جهاد سازندگی در روستاها بایستی در جهت تولید و بکار گرفتن اهالی روستاها برای این امر، صد در صد جهت گیری یابد و مسائل خدماتی در درجه بعد قرار بگیرند.



وسائل کشاورزی را خوب برایشان فراهم کند، البته ما مشکلات دولت را هم می دانیم ولی درعین حال بیشترین توجه را باید دولت درجهت رفاه روستاها قرار بدهد. که اگر توجه به روستاها زیاد شد و شما جهادگران عزیز که نقش اصلی تان در روستاهاست، توجه بیشتری به روستاها کردید و تولید را در روستا زیاد کردید و به یک روستایی امکاناتی در حد یک شهری دادید، مسلماً با آن آب و هوای خوب روستاها، روستایی دیگر دلیلی برای آمدن بشهرها نداشته و بالنتیجه خودبخود و بطور طبیعی از مهاجرت نیز کاسته و جلوگیری می شود.

حجت الاسلام موسوی خوئینی ها:

امر مسلم این است که کشور ما به خاطر شرایط طبیعی و جغرافیایی نیازمند به گسترش و پخش روستاها در تمام نقاط کشور است تا امکان استفاده از اینهمه امکانات طبیعی که در سراسر کشور بطور پراکنده پخش شده است، وجود داشته باشد. پس وجود روستاها و گسترش آن برای کشور ما ضرورتی غیرقابل تغییر است و اگر روستاهای ما خالی شوند و مهاجرتها افزایش یابد، این روند رفته رفته به نقطه ای میرسد که مسئولین مجبور خواهند شد با بکارگیری شیوه های سخت مردم را به روستا منتقل کنند. ولی اگر به این نقطه برسیم با مشکل بزرگی روبرو می شویم زیرا مردم را نمی توان مجبور کرد که در نقطه ای زندگی کنند. همانطور که امروز روستائیان با انتخاب خود به شهر می آیند و دلایل فشارهایی است که در روستا

*** اگر ما معتقدیم که روستا از مراکز حیاتی کشور است و روستایی از نیروهای ضروری برای سلامتی جامعه ماست، باید روستاها را آباد کنیم و برای اینکار برویم حلقوم کسی را بگیریم که حق روستائیان ما را خورده است.**

بر آنها وارد می شود و جاذبه هایی که در شهر وجود دارد، ممکن نیست که فردا ما بتوانیم آنها را به زور به روستاها برگردانیم بلکه ما باید انگیزه های شهرنشینی را به انگیزه های روستاشینی تبدیل کنیم و نیز جاذبه های زندگی در شهر را به جاذبه های زندگی در روستا و امروز اگر ما اینکار را بکنیم خیلی آسانتر است تا آن زمانی که بینیم همه روستاها خالی شده و همه مردم شهرنشین شده اند و آن موقع این کار خیلی مشکل است و در میزان موفقیت آن، تردید است. این یک مسئله جدی است و باید مورد توجه قرار گیرد.

در این رابطه آنچه که رژیم عمل کرد و بسیار مؤثر بود در خالی شدن روستاها، سیاست خاص اقتصادی شاه بود آن سیاست اقتصادی همین بی آمد را داشت و رژیم هم متوجه بود که چکار می کند، انتظار نبود که بر اثر غفلت یک سیاستهایی

انتخاب شود و بعد مواجه شوند با اینکه روستائیان ما دارند مهاجرت می کنند، آنها می دانستند چه می کنند و ما اگر بخواهیم این حرکت را معکوس کنیم تا مهاجرت از شهر به طرف روستا شروع شود باید آن سیاستهای غلط رژیم شاه را بشناسیم و آن را تغییر دهیم و تا آن سیاستها عوض نشود با موعظه و اندرز و نصیحت این مشکل حل شدنی نیست، صحبت از اینکه هوای روستا جقدر لطیف است چه فضای باز و آزادی دارد، صبحها صدای مرغ خروس چه می کند و لبنیات سالم در اختیار است هست با این حرفها روستائی ما در روستا نمی ماند همچنانکه با این حرفها هیچ شهری بلند نمی شود. روستا برود، روستائی هم عاقل است می نشیند محاسبه می کند می بیند درآمد او که از صبح تا شب روی زمین کار می کند و با خون دل به کشاورزی بقیه در صفحه ۸۹

*** ما اگر بخواهیم جهت مهاجرت معکوس شود یعنی از شهر بطرف روستا باشد، باید سیاستهای غلط رژیم شاه را بشناسیم و آنها را تغییر دهیم و در غیر اینصورت با موعظه و اندرز و نصیحت این مشکل حل شدنی نیست.**

قبیل برن سخران و کارهای دیگر در آن مناطق، تبلیغات سوء گروهکها را خنثی نموده و اذهان مردم را نسبت به جمهوری اسلامی روستنتر کنند. مسئله دیگر با توجه به شناسایی خوبی که شوراهای اسلامی از منطقه داشتند، توانستند با همکاری قوای نظامی و مردم همیشه در صحنه ریشه ضد انقلاب را در منطقه خشک کنند که این بسیار حائز اهمیت می باشد.

مشکلات جهاد استان

این مشکلات عمومی است و مسئله اصلی برنامه ریزی، هماهنگی و امکانات است. چون حوزه فعالیت جهاد در تمام زمینه ها مشخص نیست ما نتوانسته ایم برنامه ریزی صحیحی در این مورد بکنیم و توقع مردم را از جهاد مشخص کنیم. همیشه نیازهای مردم منطبق بر امکانات ما نبوده مثلا اگر سیل و زلزله می آمد جهاد در اولین فرصت به آنجا میرفت ولی مشخص نبود چه محورهایی بعهده جهاد است. اگر حوزه کار جهاد مشخص شود و شرح وظایف معلوم گردد این برنامه مشخص تر میگردد. ما هنوز نتوانسته ایم با سازمانهای دیگر که کارشان مشابه کار جهاد است، هماهنگ شویم. ما گاهی کاری را شروع میکنیم و در نیمه های کار، سازمانی دیگر در این زمینه نظر و برنامه دیگری میدهد که در بعضی مواقع طرح ما که نیمه کاره بوده تصویب نشده و اقداماتی که انجام گرفته به هدر میرود. در مورد نیروهای انسانی که شامل نیروهای متخصص و جهادگر و همچنین امکانات عمل مانند ماشین آلات میباشد، در مقایسه با استانهای دیگر این استان از نظر نیروی متخصص کمبود زیادی ندارد ولی باز به دلیل گستردگی کار جهاد با این همه نیروهای متخصص متعهد در این زمینه کم است و ما نتوانسته ایم نیروهای لازم را تامین کنیم. در رابطه با ماشین آلات و نیزه های بخش عمرانی، کمبودهایی داریم چون بعضی از امکانات به مناطق جنگی فرستاده شده و در این زمینه هماهنگی لازم نبوده و در بعضی از موارد ما کار عمرانی را تعطیل کرده و ماشین را برای پشتیبانی جنگ می فرستیم.

بطور کلی اگر امکانات لازم تهیه شود، جهاد می تواند در زمینه رفع محرومیت از مستضعفین روستا گامهای موثرتری بردارد. پاورقی: ۱ - منبع: گزارش وضعیت گذشته و موجود بخشهای مختلف اقتصادی و اجتماعی استان مازندران از انتشارات سازمان برنامه و بودجه - سال ۱۳۶۱.

تأثیر انقلاب در روستا...

می پردازد با شخصی که همین محصول را در شهر بخروش می رساند قابل مقایسه نیست.

روستائی زحمت می کشد و با استفاده از نعمتهای الهی و کار طاقت فرسا محصول را تولید می کند اما آن که در شهر نشسته با یک حرکت تجارتنی و معامله تمام کالای بدست آمده یکساله او و صدها روستائی دیگر را در یک معامله می خرد و می فروشد و دهها از این معامله ها انجام می دهد و بیشترین سود را می برد، خوب روستائی قاعدتا غشش هم از شهری بیشتر است چون در هوای سالم، با لیبیات تازه و آب سالم زندگی می کند خوب چنین شخصی می نشیند محاسبه می کند و می بیند اگر به شهر برود و راحت ترین کارها را انجام بدهد درآمدش از کشاورزی بیشتر است پس راه می افتد به طرف شهر. کار هم بالاخره پیدا می کند حداکثر این است که به ماشین شویی و یا سیگار فروشی دست می زند.

پس اینکه ما بیانییم با نصیحت و اندرز بخواییم روستائی را در روستا ماندگار کنیم، اینها مشکل را حل نمی کند، ما باید ببینیم که شاه با خراب کردن روستا چه چیزی را آباد کرد، با بیچاره کردن روستائی چه کسانی را به منفعت رساند شما وقتی یک چاه را می کنید خوب خاکی که از آن در می آورید در جای دیگر به صورت یک بلندی در می آید، اگر ما معتقدیم که روستا از مراکز حیاتی کشور است و روستائی از نیروهای ضروری برای سلامتی جامعه است، برای آبادی روستا باید برویم سراغ ویران کردن آن چیزهایی که با ویران شدن روستا آباد شده اند. باید برویم دست و بال آن کسانی را ببندیم که با بسته شدن دست روستائی بیرونال پیدا کردند، باید حلقوم کسی را بگیریم که حق روستائیان ما را گرفته تا این روشها را تغییر ندهیم، در این رابطه هیچ موفقیتی کسب نمی کنیم مطلب دیگری که می خواهم بگویم، در شرایط ما این دعوی پرسروصدایی است که به عنوان بازار مطرح است و متأسفانه از آن دعوای است که بسیار مرتبط است با مسائل اقتصادی جامعه، از نظر وابستگی یا عدم وابستگی و کسی هم حاضر نیست این مسئله را بشکافد و پیشنهادی بدهد حتی به خود

بازاری ها بفهماند که بزرگ شدن بازار و رونق تجارت دلیل بر رونق اقتصادی نیست. اینکه ما دائم اظهار کنیم از منافع بازاری کم نشود چه معنی میدهد، بازاری به چه کسی می گویند. به آن شخصی که در قسمتهای سرپوشیده بازار در هر شهر وجود دارد؟ نه همه کسانی را که در دان و ستروارند و به اینکار مشغولند، بازاری می گویند حال می خواهد در حجره های بازار باشد و یا در فضای روباز کنار خیابان و یا در آپارتمانهای تنگ خیابان فردوسی، همه اینها را بازاری می گویند، بازاری یعنی آن عاملی که کالا را از دست تولید کننده می گیرد و به دست مصرف کننده می رساند، اگر چنین معنی را قبول کردیم باید ببینیم چه تعداد از این افراد لازم است مثلا برای یک تن گنده چند معامله و چه تعداد نیرو نیاز است تا این گندم از مزرعه به آسیاب برود و بعد نان شود و در اختیار مردم قرار گیرد خوب اگر ما ببینیم برای اینکار پنج واسطه لازم است، اما ۱۰ واسطه در کار است این کار انجام شود این نشان میدهد که بازار ما سالم نیست. اولی گندم را می فروشد به دومی، دومی به سومی، همینطور ادامه دارد و ما می بینیم که این گندم هنوز گنده است و حتی آرد شده و چندین دست گشته، البته گندم در حال حاضر در دست دولت است و من ایشرا برای مثال گفتم ولی برای اجناس دیگر نیز همین مسئله مشاهده میشود و ما می بینیم که توزیع گنده زیاد است ولی تولید کننده کم، خوب اگر ما بنا داشته باشیم شبکه توزیع را از هم گسترش دهیم تولید یا عقب نشینی میکند و یا در همان جای خود می ماند و وقتی تولید افزایش پیدا نکرد ولی توزیع گسترده شد خوب آن روستائی هم فکر می کند، می بیند آن حاج آقا در شهر نشسته و چند برابر نمره کار یک سال او و امثال او را در یک روز با چند تلفن سیب خود می گرداند، بنابراین روستائی هم از شبکه تولید وارد شبکه توزیع میشود و ما این مسائل را درست نشناخته ایم. برای اصلاح این مشکلات باید سرمشاه فساد را بشناسیم و از همانجا کار را آغاز کنیم و در غیر اینصورت نمیتوان مشکلاتی را که در اثر سیاستهای شاه در روستاها بوجود آمده، حل کرد.